

صرای گوره

در اواسط دی ماه ۱۳۵۶ نامه‌ای از طرف دربار توسط داریوش همایون وزیر اطلاعات و جهانگردی برای انتشار به روزنامه اطلاعات داده شد. شاید آن روز کسی از سران رژیم باور نمی‌کرد که این نامه همچون جرقه‌ای در انبار باروت، رژیم را به آتش خواهد کشید. مسعودی صاحب امتیاز روزنامه پس از مطالعه مقاله، نگران واکنش علما شد اما در تماس با همایون و آموزگار - نخست‌وزیر وقت - دریافت که بعضی از مفاد تند و تحریک آمیز مقاله به خواست شاه گنجانده شده است.

تسویه حساب

این نامه نوعی تسویه حساب شخصی شاه، با امام خمینی به حساب می‌آمد. پس از شهادت آیت‌الله مصطفی خمینی، در جریان برگزاری مراسم‌های متعدد یادبود، از امام خمینی تجلیل و بر ضد رژیم شاه تظاهرات شد. همچنین گزارشی از عراق رسید که آیت‌الله خمینی در رساله عملیه‌ی خود، سلطنت را غیر شرعی اعلام کرده و این نظر در چاپ جدیدی از توضیح المسائل ایشان منتشر شده است.

پیام‌هایی دریافت می‌کنم!

شاه دچار توهم شده بود و فکر می‌کرد در جامعه‌ی آن روز نقش یک رهبر الهی و روئین تن را بازی می‌کند. او در مصاحبه با اوریانا فالاجی گفته بود: «از طرف خداوند برگزیده شده‌ام تا مأموریتی انجام دهم... من تنها نیستم چون قدرتی مرا همراهی می‌کند که دیگران قادر به دیدن آن نیستند... من پیام‌هایی دریافت می‌کنم.»

چاپ مقاله توهین آمیز

این مقاله در روز هفدهم دی ماه، سالروز کشف حجاب در روزنامه اطلاعات چاپ شد. در این مقاله که نویسنده‌ی آن احمد رشیدی مطلق، معرفی شده بود، به طور صریح بی‌حجابی به عنوان فضیلت و حجاب، کهنه‌پرستی و ارتجاع سیاه معرفی شد. همچنین توهین‌های متعددی به امام شده و از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ به عنوان توطئه استعمار سرخ و سیاه یاد شد.





ریحانه شاکر

بوی خون

دیوار

۷

ش ۱۱۱

شهدای گمنام ۱۹ دی

بعد از ظهر آن روز، پس از سخنان آیت‌الله نوری همدانی، جمعیت ده هزار نفری قصد داشتند از طریق خیابان ساحلی به منازل آیات سلطانی طباطبایی و مشکینی بروند اما مأموران رژیم، خواب دیگری برای مردم بی‌دفاع دیده‌اند. یکی از مأموران رژیم، برای ظاهرسازی و دست و پا کردن بهانه‌ای برای شروع سرکوب مردم، شیشه‌ی یک بانک را شکست و مأمور دیگری باقیمانده شیشه‌ها را با سنگ نشانه گرفت. همین بهانه باعث شد تا اسلحه‌ها به طرف مردم نشانه رود و...

یا مرگ یا خمینی

درگیری و جنگ و گریز تا ساعاتی از شب ادامه یافت. مردم در خیابان‌ها شعار می‌دادند: «از جان خود گذشتیم، با خون خود نوشتیم، یا مرگ یا خمینی...»
بعد از این حادثه طلاب و علمای قم با انتشار اعلامیه‌ای ضمن محکوم کردن کشتار مردم بی‌دفاع، این سؤال را مطرح کردند که «آیا فضای باز سیاسی به این مناسبت که اگر کسانی به مطالب غیر واقعی روزنامه اعتراض کنند باید با گلوله پاسخ بگیرند؟»
هیچ‌کس نمی‌داند که در این روز واقعاً چند نفر مجروح و یا شهید شدند. بسیاری از مجروحان از ترس دستگیری به بیمارستان مراجعه نکردند و احتمالاً خانواده‌ی برخی از شهدا از ترس ساواک شهدای خود را مخفیانه به خاک سپردند و فقط نام پنج شهید به ثبت رسید که یکی از آنها یک نوجوان سیزده ساله بود

سرکوب اغتشاشات قم!

این تعبیری بود که در رسانه‌ها درباره قیام مردم قم به کار برده شد. پس از این ماجرا، صبح روز ۲۳ دی ۱۳۵۶ رژیم پهلوی عده‌ای از کارمندان و اعضای حزب رستاخیز را جمع‌آوری نمود و سوار بر اتوبوس راهی قم کرد. آنان به حمایت از شاه «جاوید شاه» گویان به سمت حرم حرکت کردند.

چهل‌پشت چهل‌م

برگزاری مراسم بزرگداشت شهدای شهرهای مختلف، جلسات سخنرانی و تظاهرات خیابانی به رفتار سیاسی انقلابیون و مردم تبدیل شد. در جریان همین مجالس مردم به پاس مجاهدت‌ها و قدرت ویژه آیت‌الله خمینی به او لقب امام دادند. امام سرنگونی قریب‌الوقوع رژیم شاه را پیش‌بینی کرد و این پیش‌بینی یک سال بعد به وقوع پیوست.

آغاز اعتراضات

پس از اطلاع از محتوای مقاله، طلاب برای تصمیم‌گیری به منزل آیت‌الله نوری همدانی رفتند.

یک دسته معتقد بودند که فردا کلاس‌های درس را برگزار کنند و در خلال درس، درباره اهانت به مقدسات دینی و روحانیون به ویژه امام خمینی بحث و تبادل نظر کنند. اما دسته‌ی دوم که اکثریت را تشکیل می‌دادند، معتقد به مبارزه با رژیم و موج‌آفرینی بودند.

در نهایت تصمیم گرفته شد که در روز هجدهم دی درس‌های حوزه تعطیل شود.

همین مسأله باعث شد در روز هجدهم دی ماه عده‌ای از طلاب در مقابل بیت آیت‌الله گلپایگانی و علامه طباطبایی و برخی دیگر از مراجع اجتماع کنند و از حمایت آنها برخوردار شوند.

اتحاد بازاریان و مراجع

بازاریان با مشاهده حرکت حوزه به حمایت از آن، در روز نوزدهم دی بازار را تعطیل کردند.

صبح روز نوزدهم، اداره اطلاعات و امنیت و شهرانی قم به همراه نیروهای کمکی که از تهران وارد شده بودند در سطح شهر به‌ویژه حوالی مدارس علمیه و حرم حضرت معصومه (ع) پراکنده شدند.

اقشار مختلف مردم که شامل بازاریان، طلاب، دانش‌آموزان و دانشجویان، زنان و کارگران و... بودند، در مقابل مدرسه‌ی خان و میدان آستانه تجمع کردند و به طرف بیت آیت‌الله میرزا هاشم آملی رفتند. اما تجمع عظیم مردم در بعد از ظهر آن روز صورت گرفت.